



5 سپتمبر 2020

داکتر سید عبدالله کاظم

شاه امان الله غازی و برنامه های انکشاف معارف در کشور

(به مناسبت صد و یکمین سالگرد استرداد استقلال کشور)

بخش نهم

بذل توجه به تاسیس مکاتب ابتدائیه:

در اولین لویه جرگه که به حیث یک مرجع تقنینی کشور در زمستان 1301 ش در شهر جلال آباد دائر گردید و اولین قانون اساسی افغانستان تحت عنوان "نظامنامه اساسی دولت علیه افغانستان" را به تصویب رسانید، راجع به اجباری بودن تعلیم در سطح ابتدائیه تأکید بعمل آمد و این وظیفه بدوش حکومت گذاشته شد تا در تاسیس مکاتب ابتدائیه در سرتاسر کشور اقدام نماید. در ماده 14 مربوط "حقوق عمومی تبعه افغانستان" آمده است که: «امر تدریس بلکل آزاد است، مطابق نصاب معارف عمومی هر فرد عموماً بطور عمومی و خصوصی برای تدریسات مأذون و مجاز میباشد، اما اشخاص اجنبی به استثنای نفری که برای تعلیم استخدام میشوند، بداخل مملکت افغانستان به افتتاح و اداره مکاتب مجاز نیستند». همچنان در ماده 15 آن تصریح شده است که: «عموم مکاتب افغانستان زیر نظارت و تفتیش حکومت میباشد، حکومت بهمه اسباب و تدابیری که برای تربیه علمیه و ملییه همه تبعاع افغانستان برسیاق انتظام و اتحاد میباشد، نظر دقت میگیرد، اما اصول تعلیمیه که بامور اعتقادی و مذهبی اهل ذمه و افراد مستأمنه [مقصد از اهل هنود و یهودی ها است - کاظم] تعلق دارد، اخلال کرده نمیشود». به همین ترتیب در مبحث "مواد منفرقه" این قانون اساسی در ماده 68 تذکار گردیده که: «برای تبعه افغانستان درجه ابتدائیه تحصیل معارف حتمی و مجبوری است و درجات و تفرعات آن بیک نظامنامه مخصوص تعیین یافته است که برطبق آن معمول میشود». (برگرفته از "نظامنامه اساسی دولت علیه افغانستان" چاپ دائره تحریرات مجلس وزراء، مورخ 8 حمل 1302)

به تاسی از مواد فوق الذکر قانون اساسی تاسیس مکاتب ابتدائیه در سرتاسر کشوریکی از وظایف مهم دولت بوده و باید در این راه اقدامات لازم رویدست گرفته میشد، اما در عمل تاسیس مکاتب مذکور با دو مشکل عمده روبرو بود: از یکطرف مردم بطور عموم از فرستادن فرزندان خود به مکتب ایا می ورزیدند و هنوز اذهان مردم بخصوص در اطراف و اکناف کشور برای اینکار آماده نبودند و اما از طرف دیگر فقدان معلمان و تهیه وسایل برای عام شمول ساختن این هدف بزرگ در دسترس قرار نداشت و باید این اقدام به تدریج نخست در کابل و بالترتیب به نقاط دیگر کشور صورت میگرفت. به همین سلسله وزارت معارف آن عصر کوشید تا حدتوان به تاسیس مکاتب ابتدائیه بخصوص برای پسران بپردازد و اما مکاتب برای دختران با مشکلات زیاد مواجه شد که در مبحث مربوطه بعداً مورد بررسی قرار میگردد.

از استاد وکیلی پوپلزائی (مرحوم) باید ممنون بود که در کتاب های مهم خود راجع به این موضوعات بطور مستند معلومات ارائه داشته و در غیر آن چون همه اسناد مهمه این دوره عمداً از بین برده شده بودند، مشکل بود درباره چیزی نوشت. وکیلی پوپلزائی می نویسد که: در سال 1302ش نظامنامه تدریسات ابتدائیه از طرف وزارت معارف افغانستان ترتیب یافت و پس از غور لازم در ماه میزان سال مذکور از طرف مجلس وزراء و سپس شورای دولت و تائید و منظوری شاه مرعی الاجراء قرار گرفت. اما قبل از انفاذ این نظامنامه برطبق دستور شاه امان الله غازی از سال 1298ش نظارت معارف (بعداً وزارت معارف) به تاسیس مکاتب ابتدائیه پرداخت، چنانچه در سال 1299 در نظر بود تا تشکیل 41 باب مکتب ابتدائیه رویدست گرفته شوند که از جمله به تاسیس 6 مکتب در سمت مشرقی، یک مکتب در خان آباد، یک مکتب در تاشقرغان، یک مکتب در جبل السراج و یک مکتب در چخانسوربا تهیه معلمان و لوازم مربوطه تاسیس گردید. همچنان به قرارگزارش وکیلی پوپلزائی در نظر بود تا مکاتب ابتدائیه در محلات مربوط به شش گروهی شهر کابل به قرار ذیل تاسیس شوند: بنی حصار، شیوه کی، بتخاک، تره خیل، ده

د پانو شمیره: له 1 تر 5

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی دلیکنیزی بڼی پازوالي د لیکوال په غاره ده، هیله من یو خپله لیکنه له رایزولو مخکې په خیر و لولئ

خداد، یکه توت، بی بی مهر، ده سبز، ده یحیی، چهلستون، علاءالدین، ده قلندر، سرآسیاب، تنگی [سیدان]، ده بوری، مهتاب قلعه، تیبه، موسائی [موسهیی]، چهار آسیاب، قلعه قاضی و مرغگیران. بر علاوه در نظر بود تا بنای سه مکتب عالی و چند مکتب مسلکی نیز بزودی گذاشت شود که البته بعداً از آنها به تفصیل صحبت خواهد شد. (شرح مزید: در صفحات متعدد از جمله صفحه 266، جلد اول کتاب "سلطنت امان الله شاه" و کتاب "فرهنگ کابل باستان"، تألیفات: وکیلی پوپلزائی)

به این اساس در جریان سالهای بعد بر تعداد مکاتب ابتدائیه در کابل و اطراف آن و همچنین در نقاط دیگر کشور از همه اولتردراثر تقاضای مردمان محل تأسیس شدند که از شرح مزید هر یک در اینجا صرف نظر میشود، و اما جا دارد که از یک نظامنامه مهم در باره تشکیل "مکاتب خانگی" به تفصیل ذکر کرد:

"نظامنامه مکاتب خانگی":

هدف اساسی تدوین و انفاذ این نظامنامه همانا برآوردن هدف مندرجه ماده 68 قانون اساسی مبنی بر جبری بودن تعلیمات ابتدائیه بر تمام اتباع افغان در حدود سن معین بود تا از این طریق قدم بقدم اتباع کشور سواد خواندن و نوشتن را بیاموزند و نیز با فرایض پنجگانه اسلامی در نظر و عمل آشنا شوند. از آنجائیکه دولت به دلایل مختلف از عهده تعمیم این کار در تمام کشور بدر شده نمیتوانست، لذا دست به ابتکار مکاتب خانگی زد تا از راه سواد آموزی برای اطفال کشور را همه جا باز نماید. به همین هدف دولت نظامنامه فوق الذکر را با یک مقدمه نسبتاً طولانی در جمعاً 22 ماده تدوین و پس از توشیح شاه نافذ و مرعی الاجراء قرار داد. این نظامنامه که اساساً در اواخر 1301 نافذ گردید، بار دوم در ماه سنبله 1302ش در مطبوعه وزارت معارف به طبع رسید که در مقدمه آن چنین آمده است:

«از آنجائیکه تمامت ترقیات دینیوی و سعادات آخرویه عالم بشریت مربوط به علم و دانش است و جمیع افراد بنی نوع انسان [چه] دانا باشند یا جاهل، عالم یا آمی باشند، معترفند باینکه شناختن خدا و ترقیات دین و دنیا و نیل مقاصد آخروی بدون کسب علم و فن بکسی میسر نمیگردد و بمضمون "من لا معاش له لا معادله" از نداشتن علم و فن دوچار ذلت روزگار گشته بر ذواتیکه علم و معرفت ندارند، تحصیل [دسترسی به] اسباب زندگانی صعب و دشوار و اوشان به ذلت و نکبت و خواری گرفتار میگردند، لاجرم همچو اشخاص از حصول سعادات آخروی محروم مانده العیاذ بالله خسر الدنيا و الاخره میشوند. بر مصداق این مقال حضرت مقتدای ما حبیب قادر متعال جلت حکمة نیز در بسیاری جاها امت ناجیه خود شانرا به تحصیل علم و فن هدایت و ارشاد و همه شانرا در استحصال معارف عالیه تحریص و احکام نموده اند. ازین است که حضور شاهانه ما بغرض فراهم نمودن اسباب ترقی دین و دولت و تأمین معاملات و سعادات دنیوی و آخروی ملت نجیبه خودمان بیشتر و اولتر از همه تأمین مکاتب و مدارس را بصورت منتظم تصمیم نموده اطفال وطن عزیز مانرا بدون امتیاز حیثیت و رتبه و حسب و نسب به ادخال مکاتب مجبور گردانیدیم، حتی باقتضای اشد ضرورت و احتیاج، عده از اطفال وطن را جهت کسب و جلب صنایع و حرفه و علوم و فنون جدید که یگانه مایه ترقی امروز عالم بشریت است، بخارج اعزام فرمودیم.

اما از آنجا که در تعمیم علم و معرفت و وسعت دائره ان شوق و شغفی بکمال داشته تصمیمی کرده ایم که باید کافه افراد تبعه افغانستان از زن و مرد و که و مه صاحب سواد و مالک قابلیت نوشت و خوان بوده از خیر کثیر علم بی بهره نمانند. اینست که تنها بوجود مکاتب رسمی اکتفا ننموده و مکاتب رسمی را بصورت فوری برای تعلیم عموم اطفال کافی ندانسته، تأمین مکاتب خانگی را نیز امر و احکام فرمودیم و وزارت جلیله معارف را مامور داشتیم بر اینکه امر تعلیمات را بدو قسمت منقسم سازد: یک قسمت همانست که اطفال قاعدتاً بقرار قوانین نظامنامه وزارت معارف جبراً برای استیفای دوره های ابتدائیه تعلیمیه در مکاتب رسمی داخل شده به تحصیل می گریند. قسمتی دیگر اطفالیکه در مکاتب رسمی از طرف مدیر معارف بنا بر بعضی معاذیر از قبیل داشتن کدام مرض متعددی یا کلانی سن قبول نمیشوند و یا شمولیت شان در مکاتب رسمی مهلتی میخواهد، در هر محله و گذر و قریه و قصبه به نزد دانشمندان محلی به تحصیل و تعلیم مشغول گردند تا هم کافه اطفال از سعادت علم و معرفت بی بهره نمانند و هم زمانیکه در مکاتب رسمی ادخال کرده میشوند، سهولتی در طی مراحل تعلیمات شان دست دهد.

برای اجراء و اعمال این اراده مواد ذیل را قید فرمودیم:

1 - از آنجا که مقصد غائی اجازه فرمودن اینطور تعلیمات خانگی به عبارت دیگر اجازه فرمودن تأسیس مکاتب خانگی همین است که بهر وسیله از وسائل باید قاطبه افراد ملت نجیبه افغان از خوردن تا کلان همین قدر خواننده و

نویسنده گردند که بتوانند جراید وطنیه و اشتهارات و اعلانات معتاده را خواننده از مفاد آنها مسبوق شوند و در تحریر یک رقعہ یا یک مکتوب از احتیاج شخص دیگر برآیند، بناءً علیہ پروگرام تعلیم خانگی صرف به سه مضمون دینیات، فارسی [دری] و تحریر انحصار یافت.

2 - فی الواقع باید همان کتب دینیات و فارسی تدریس شود که در مکاتب سائره رسمیه از طرف وزارت جلیله معارف احکام فرموده شده است. هرگاه کتب مزبور بدست نیاید، جائز است که از کتب فارسی قاعده بغدادی، پنج کتاب بدون محمود نامه، گلستان، بوستان، اخلاق محسنی، انوارسهیلی، جراید وطنیه اشتهارات عامه تدریس شود. کتب مزبور نه تنها لفظاً تعلیم شود، بلکه باید از مدعا و مقصود بیانات آنها نیز متعلمین محظوظ گردند.

3 - تحریر فارسی یعنی حسن خط و املاء باید توأم با قرانت کتب آغاز شود.

4 - در دینیات باید احکام و مسائل ارکان خمسہ اسلام را از توحید و نماز، روزه، زکاة و حج از فرایض و واجبات و سنن و آداب و مکروهات و مفسدات بقدریکه برای یک فرزند مسلمان لازم است، علماً و عملاً یاد داده شود.

5 - حد تکمیل این مکاتب خانگی همین قدر هست که اطفال برخواندن کتب متوسط و مکتوبات و جراید و اعلانات مقتدر گشته در تحریر مکتوبات لازمه محتاج بغیر نباشند و در دینیات بمسائل مسلمانی علماً و عملاً بدانند.

6 - تحصیل حدود مزبور در فارسی و دینیات و تحریر جبری و لازمی است تا متعلمین میتوانند که بعد از اكمال حدود مزبور به تحصیل دیگر مضامین و علوم قرار خواهش خود شان نیز بپردازند.

7 - چونکه این طور تعلیمات در مکاتب خانگی تحت تعلیمات ابتدائیه می آید، بناءً علیہ تعلیم مزبور نیز حکم اجباری را دارد.

8 - هروقتیکه درمکاتب ابتدائیه رسمی لزوم گرفتن اطفال احساس شد، از همین اطفالیکه در مکاتب خانگی به تحصیل مصروفند و سن و سال شان مساعد باشد، گرفته خواهد شد و تأسیس این مکاتب سکتہ در وسعت دائره مکاتب ابتدائی رسمی وارد نخواهد کرد.

9 - ساعت تعلیم در مواسم گرم از وقت طلوع آفتاب تا دو سه نیزه بلند شدن آفتاب یعنی تقریباً از شش الی هشت و نیم بجه و در مواسم سرد از سه نیزه بلند شدن آفتاب تا زوال یعنی تخمیناً از 9 الی 12 بجه میباشد، بعبارت دیگر وقت تعلیم در تابستان دونیم ساعت و در زمستان 3 ساعت میباشد. باید هر قدر اطفالیکه در خانه های خود بوده در مکاتب شمولیت ندارند، در قریب ترین مساجد خود شان در اوقات مذکوره اجتماع نموده و دانشمندان همان قریه که از عهده تعلیم برآمده بتوانند، بتدریس بپردازند.

10 - علاقه داران و قریه داران در قریه جات و کلانتران در محلات شهر مؤظف اند که در حاضر بودن اطفال و سرگرمی معلم ها در تعلیم شان مراقبت و مواظبت نمایند.

11 - درصورت عدم اعتنای پدران و اولیای اطفال در فرستادن بچه های شان به تعلیم، قریه داران بعلاقه داران و کلانتران بقوماندانی اخبار کنند و علاقه داران و قوماندانها مبلغ یک سنار(یعنی دو پیسه) از پدر یا ولی که در فرستادن پسرش اغفال کرده در صورت عدم عذر معقول بصورت جریمه نقدی گرفته تحویل خزانه نموده و رسید آنرا بمدیریت معارف ولایت و حکومتی مربوطه خود روانه دارند. حکم این ماده بعد از شش ماه از تاریخ نشر اعلان هذا اجراء می یابد.

12 - اگر در بین زمانیکه وقت تعلیم مکاتب خانگی معین شده، طفلی بدون عذر درشهر بکوچه ها و در قریه جات برسرزمین ها بیکار و عاطل دیده شد، قریه داران همان قریه مسئول میشوند.

13 - مدیر معارف برای باخبری قایم داشتن تنظیمات لازمه این نوع تعلیمات خانگی در اوقات ضروری در مکاتب مزبور گردش میکند.

14 - برای تفتیش مکاتب خانگی در هر سال یک هیئت تفتیشیه از نایب الحکومگی ها و حکومتی های اعلی و حکومت های کلان تعیین میشوند و در هر حکومتی حکام و علاقه داران همان محل نیز باین هیئت شمولیت ورزیده امتحان تعلیم شاگردان مکاتب هر موضوع را ذیلاً میگیرند و از نتیجه تفتیش از طرف نایب الحکومگی یا حکومت اعلی یا حکومت کلان برای معلمان که تعداد اکثریت عظیمه شاگردان شان در امتحان فایق ظاهر شود، از طرف هیئت مفتشین بسه درجه اول 750، دوم 500 و سوم 250 روپیه انعام نقد عطا میشود.....

15 - اشخاصیکه معلمین خصوصی برای اطفال خود معین میکنند، این تعیین شان صرف درصورتی جائز و ممکن است که اطفال شان بنا بر بعضی معاذیر از قبیل داشتن کدام مرض متعدی یا کلانی سن در مکاتب ابتدائیه رسمی قبول نشده باشند و یا شمولیت شان در مکاتب رسمی مهلتی بخواهد.

د پانوی شمیره: له 3 تر 5

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی د لیکنیزی ښی پازوالی د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرولو مخکې په څیر و لولئ

- 16 - مدیر معارف هر ولایت مامور است براینکه ملاهای قریه جات و محلات را یعنی معلمان مکاتب خانگی را نزد خود جمع نموده و ایشان را از طرز و اسلوب تعلیم باین نوع تفهیم کند که جمیع طلاب متعلقه خودها را بصنوف متعدد تقسیم نمایند یعنی بچه هایی را که در کتاب درسی باهم معادلند، یک صنف و آنهائیکه در دیگر کتب مساوی اند، بصنف دیگر تشکیل بدارند و در تعلیم املاء و حسن خط همگان را یکجا مصروف دارند.
- 17 - معلمانیکه درین گونه مکاتب خانگی تعلیم میدهند، از ولی شاگرد خود برای اداره و معاش خویش ماهانه یک قران نقد و یا بقیمت آن جنس گرفته میتوانند. تادیه این ماهانه مطابق برضای معلمین و اولیای اطفال متعلق است که بصورت ماهانه و یا اقساط سه ماهه و یا بوقت فصل پرداخته شود.
- 18 - کلانترها و قریه دارها و علاقه دارها در رسانیدن وظایف مستمره مزبوره برای معلمان مکاتب خانگی باید بکمال مراقب و مواظب باشند.
- 19 - علاقه دارها با قریه دارهای متعلق خود راجع به جمع نمودن اطفال منتظم داشتن امورات خارجیه این مکاتب مشاوره و مذاکره نموده صورت های مفیده که لازم دانند، بمدر معارف اخبار کنند.
- 20 - حکام هر ولایت به تشویق و ترغیب اهالی بتأسیس کردن مکاتب خانگی مؤظف بوده خود شانرا مسئول بدانند.
- 21 - احکام این نظامنامه اولاً در ولایت کابل تطبیق میشود. بعد از تجربه تعمیم مکاتب خانگی این ولایت و وزارت معارف تطبیقات و اجراات آنرا در دیگر ولایات و حکومت ها نیز تعمیم میکند.
- 22 - برای گذاشتن این نظامنامه بساحه اجراء علاوه برنظامنامه های دولت، اراده میفرمائیم و وزارت معارف به اجرای این نظامنامه مامور است. مهر: امیرامان الله غازی

تطبیق قوانین و تفتیش اجراات مسئولان امور:

"حاکمیت قانون" - یگانه کتابی است که بقلم شاه امان الله غازی از جریان امور تفتیش ولایت قندهار نوشته شده و در آنوقت به چاپ رسیده و حبیب الله رفیع محقق افغان این کتاب را با نوشتن یک مقدمه و تصحیح و تعلیقات در سال 1378ش باز نشر کرده است. رفیع در مقدمه خود در آغاز این کتاب می نویسد: «امان الله خان با خلوص زیاد میخواست که در کشور حاکمیت قانون به وجود آید، لذا برای تمام ابعاد زندگی اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی کشور نظامنامه ها را بوجود آورد. برای تعمیم و تکثیر نظامنامه ها علاوه براینکه نظامنامه ها را وقتاً فوقتاً به شکل کتاب نشر میکرد، روزنامه "ابلاغ" را به همین منظور درسال 1300ش (1921) تأسیس کرد و در آن قوانین و نظامنامه ها را نشر میکرد و نسخه های آنرا در مناطق مختلف و معین شهر کابل بردیوار ها می آویختند تا مردم قوانین جدید را بخوانند. برای اینکه استفاده ازین نشریه ها بیش از پیش عامتر و ساده تر گردد، برای کسانیکه از خواندن متن این روزنامه عاجز بودند، اشخاصی را مقرر کرد تا در اوقات معین هفته درمحلات مختلف شهر برای مردم قوانین و نظامنامه ها را بخوانند و تشریح کنند و مردم را از محتویات قوانین با خبر سازند و بر آگاهی آنان بیفزایند.»

او در ادامه می افزاید که: «با وجودی که تمام قوانین و نظامنامه ها به ولایات گسیل میشد، شاه شخصاً برای نظارت از چگونگی تطبیق قانون پروگرام هایی را نیز رویدست گرفته بود که تحت نظر شخص شاه به ولایات و نایب الحکومگی ها هیئت های تفتیش میرفتند، کارهای مامورین و کارکنان دولت را در چوکات قوانین و نظامنامه ها تفتیش و کنترول میکردند و گزارش کارشان را بحضور شاه تقدیم میداشتند و شاه آنرا به دقت ملاحظه میکرد. گاه گاهی شاه شخصاً دفاتر را میدید و بعد از علم آوری کامل مجلس عام دائر می نمود و در آن مامورین صادق را مکافات و مامورین متخلف و استفاده جو را مجازات میکرد.»

علیحضرت امان الله خان به ولایات شمالی، مرکزی، شرقی و جنوب شرقی کشور شخصاً با هیئت های معیتی خود چنین سفر ها را انجام داده که جریان بررسی و گزارشهای مربوطه در جراید و کتب آنوقت نشر شده اند. شاه به سلسله همین سفرها درسال 1304ش یک سفرسی و پنج روزه به قندهارکرد و از امور آن ولایت بدقت تفتیش نمود که جریان بررسی خود را ازهریک از ادارت مختلف آن ولایت ازجمله امور معارف آنجا به تفصیل در کتاب "حاکمیت قانون" درج و نشر کرده است. "تفتیش مدیریت معارف" یکی از فصول این کتاب است که تقریباً 30 صفحه را در بر میگیرد. از ورای این گزارش مبسوط معاموم میشود که تا آنوقت در قندهار چندین مکتب رسمی ابتدائیه فعالیت داشت که اکثر آنها از صنف اول تا صنف پنجم ابتدائیه سال بسال ارتقا کرده بودند و شاه با هیئت معیتی خود از سویه درسی شاگردان تا سویه معلمان، محلات مکتب ها، اتاقهای درسی و وسایل و لوازم آنها، اداره مکتب و دیگر امور به دقت بررسی و واریسی نمود و به کسانیکه در کار خود موفق و ابراز شایستگی کرده بودند، انعام و

د پانو شمیره: له 4 تر 5

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکني د لیکنيزي ښي پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله لیکنه له رالیرلو مخکي په څیر و لولئ

بخشش و برعکس اغفال کنندگان را با جزایهای تنبیهی متوجه مسئولیت های شان ساخت. شاه وقتی به مشکلات معارف آنجا پی برد و نواقصی را در کار مشاهده کرد، در اصلاح آن هدايات لازم و عملی داد، طور مثال وقتی دید محل درس و مکتب در جای مناسب و مطابق به گنجایش شاگردان نیست، فوراً محل دیگر دولتی را برای آن تخلیه کرد و یا اینکه وقتی نام یک مکتب با نام شاگردان اهل هنود مسمی شده بود، فوری هدایت داد تا برای جلوگیری از تبعیض نام دیگر بر آن مکتب گذاشته شود. همچنان او شخصاً به یکی دو مکتب ابتدائیه آنجا رفت و ضمناً از بعضی شاگردان در خواندن و نوشتن و نیز معلومات دینی امتحان گرفت و نتیجه را به معلم و اداره مکتب و مدیریت معارف ابلاغ نمود و آنها را متوجه مسئولیت های شان ساخت و احکام لازم در بهبود سوئیۀ شاگردان و معلمان و حتی شیوه های تدریس شان صادر نمود.

مطالعه این کتاب برای کسانی که در جزئیات امور دواير مختلف آن وقت علاقمند باشند، بسیار دلچسپ است که در اینجا به دلیل طوالت کلام از ذکر جزئیات صرف نظر میشود و تنها با این نکته بسنده میگردد که شاه امان الله عاشق انکشاف معارف بود و شخصاً بدون اطلاع قبلی سری به مکاتب شهر کابل میزد و از شاگردان و مسایل درسی شان خبر میگرفت. اما در کشوری که در آن تعداد باسواد ها بسیار بسیار اندک و برعکس اکثریت قاطع مردم از نعمت خواندن و نوشتن محروم بودند، انکشاف معارف آنهم در سطح همگانی کار یک روز، یک و یا چند سال نبود، بلکه وقت و زمان کار داشت که باید قدم قدم با جدیت پیش میرفت و شاه امان الله غازی از همه بیشتر خود را وقف این ساحه کرده بود و در هر بیانیه خود به رفتن اطفال به مکتب تا حد تضرع تأکید میکرد.

(ادامه دارد)

د پانوی شمیره: له 5 تر 5

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکني د لیکنيزي ښي پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله لیکنه له رالیرلو مخکي په څیر و لولئ